

# حل ارزیابی های کتاب منطق ۱ بر اساس تجميع سوالات چاپ قدیم و ویرایش جدید

## درس هشتم

**تذکر مهم:** در چاپ قدیم، مباحث اصطلاحات مورد نیاز تعریف و روش های تعریف منطقی، در قالب چهار

درس زیر بیان شده است:

درس ۶ کلیات و اقسام آن

درس ۷ سلسله ترتب کلیات و تقسیمات دیگر آن

درس ۸ تعریف

درس ۹ اقسام تعریف، تقسیم و قواعد آن

ولی در ویرایش جدید همین مباحث خلاصه تر شده و در قالب دو درس زیر ارائه گردیده است:

درس ۶ تعریف

درس ۷ الگوی منطقی و روش ارائه تعریف

لذا در حل تمرینات، پرسش ها و خودآزمایی های چاپ قدیم مطرح می شود و در کنار هر پرسش، به آدرس همان پرسش، در ویرایش جدید هم اشاره می شود.

همچنین اگر پرسش جدیدی در ویرایش جدید بود که در چاپ قدیم مطرح نشده بود، در انتهای درس ۹ بیان می گردد.

### پرسش

۱. رسالت منطقی در تعریف تصورات مجهول چیست؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی پایانی، پرسش ۱)**

رسالت منطقی تنها تبیین روش صحیح جستجوی پاسخ پرسش چیستی است که همان روش صحیح تعریف می باشد.

۲. غرض از تعریف چیست؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی پایانی، پرسش ۲)**

مقصود اصلی در تعریف:

الف) ارائه تصویری واضح و صحیح از معرف؛

ب) جدا کردن معرف از غیر آن به صورت تام و کامل.

۳. با توجه به طبقه بندی سؤال های اساسی انسان در باره مجهولات، بیان کنید روش پاسخ به کدام پرسش در بحث تعریف داده می شود؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی پایانی، پرسش ۳)**

منطقیون مهم ترین پرسش های انسان را در سه قسم اساسی طبقه بندی کرده اند:

۱. پرسش از چیستی اشیا، که با کلمه استفهامی چیست؟ (ما) طرح می شود؛

۲. پرسش از هستی اشیا، که با کلمه استفهامی آیا؟ (هل) بیان می شود؛

۳. پرسش از چرایی و علت اشیا، که با کلمه استفهامی چرا؟ (لم) طرح می شود.

، منطقی جستجوی پاسخ پرسش چیستی (ما) را برعهده دارد.

۴. مقصود از این جمله: [قواعد منطقی صرفاً جنبه صوری دارند] چیست؟

در علم منطق در بخش تصورات بطور کامل و در قسمت اول بخش تصدیقات (صورت استدلال)، قوانین مربوط به ظاهر و صورت تعریف و استدلال، مطرح می گردند تا تعریف و استدلال از نظر ظاهر قضایا و چینی آن کنار یکدیگر صحیح باشد و در این مباحث مطلبی درباره صحیح بودن تعریف از نظر مواد و مصالح قضایا، به میان نمی آید. بلکه مباحث صحت ماده ی قضایا و مقدمات در بخش صناعات خمس مطرح می شود.

به همین خاطر در مبحث تعریف می گوئیم، قواعد منطقی تعریف جنبه ی صوری دارند و از نظر ظاهر و صورت قضایا، خطاسنجی می کنند نه از نظر باطن و ماده ی قضایا.

۵. چرا باید نسبت معرف و معرف مساوی باشد؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی پایانی، پرسش ۴)**

در تعریف، هر چه که مصداق معرف است مصداق معرف هم باشد.

زیرا هرگاه تعریف به اعم داشته باشیم، مانع اغیار نخواهد بود.

و اگر تعریف به اخص داشته باشیم، جامع افراد نخواهد بود.

و اگر مفهوم معرف مباین یا اعم و اخص من وجه با معرف باشد، در این صورت تعریف نه جامع

است و نه مانع.

۶. چرا باید تعریف دوری نباشد؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی پایانی، پرسش ۵)**

تعریف دوری عبارت است از: تعریفی که در آن اولاً معرف خود، احتیاج به تعریف دارد و ثانیاً در تعریف معرف از معرف استفاده می شود.

مانند اینکه در تعریف جسم گفته شود:

• جوهری که دارای ابعاد سه گانه است

• و ابعاد سه گانه را به امتداد جوهر جسمانی تعریف کنند.

یعنی فهم حقیقت **جسم** بر فهم حقیقت **ابعاد سه گانه** متوقف باشد

و فهم **ابعاد سه گانه** بر فهم معنا و حقیقت **جسم** توقف داشته باشد

لازمه چنین تعریفی آن است که **مفهوم جسم قبل از این که معلوم شود، باید معلوم باشد و البته این امری نادرست است.**

۷. برخی از عوامل ابهام در یک تعریف را توضیح دهید.

برخی از عوامل ابهام در یک تعریف عبارتند از:

الف) تعریف به مفهومی که از نظر وضوح و روشنی مساوی معرف است.

ب) تعریف با مفهومی مبهم تر از معرف.

ج) به کار بردن مفاهیم غیر دقیق که قابلیت تفسیرهای متعدد دارد.

د) بکار بردن الفاظ مهمل که معنای محصلی ندارد.

ه) استفاده از الفاظ مشترک (مشترک لفظی، استعاره، مجاز، کنایه) بدون قرینه وافی در مورد

معنای مورد نظر.

و) بکارگیری الفاظ پیچیده و مهجور.

۸. برخی از خطاهای رایج در تعریف را بنویسید.

برخی از خطاهای رایج در تعریف عبارتند از:

۱. خطای این از آن، پس این همان.

۲. خطای کنه و وجه.

۳. خطای هستی به جای چیستی.

۹. چرا باید معرف، مغایرت مفهومی با معرف داشته باشد؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی پایانی، پرسش ۶)**

زیرا در صورت تساوی مفهومی، تفاوت معرف و معرف تنها تفاوت لفظی می شود و از نظر مفهوم عین یکدیگر می گردند؛ مثلاً اگر در تعریف انسان بگوییم: بشر است، این تعریف حقیقی منطقی نیست، بلکه صرفاً تعریفی لفظی و لغوی بوده که مربوط به علم لغت است.

### خودآزمایی

۱. مای شارحہ اللفظ به معنای..... است.

الف) پرسش از چیستی.

ب) تعریف اسمی.

ج) بیان معنای لغوی.

د) تعریف اسمی و معنای لغوی.

هر گاه در تعریف از معنای لغوی استفاده شود و آنچه در جواب سؤال [ماهو؟ (آن چیست؟)] بیان می شود «تعریف لفظی» نام دارد؛ مانند سؤال از معنای لغوی غضنفر که در جواب آن، اسد گفته می شود. «ما الغضنفر؟ هو اسد»

۲. شارحہ الاسم به معنای..... است.

الف) تعریف.

ب) تعریف حقیقی.

ج) تحلیل مفهومی.

د) بیان معنای لغوی.

هر گاه معنای اجمالی یک لفظ دانسته شود و با مای شارحہ (که با آن از شرح معنای لفظ سؤال می شود) از معنای تفصیلی و ماهیت آن سؤال شود، آنچه در جواب می آید «تعریف اسمی» یا «شرح الاسم» نامیده می شود؛ مانند: «الانسان ما هو؟» که در جواب گفته می شود: «الحيوان الناطق»

تعریف حقیقی همان تعریف اسمی است با این تفاوت که:

اگر قبل از علم به اصل وجود شیء، از ماهیت آن پرسیده شود، پاسخ آن «تعریف اسمی» نامیده می شود و «ما» ی استعمال شده مای شارحہ نام دارد.

اگر پس از علم به وجود شیء، از ماهیت آن با «ما هو» سؤال شود، مای حقیقیه و آنچه در جواب از این سؤال می آید «تعریف حقیقی» نام دارد؛

تحلیل ذهنی (تحلیل مفهومی) عبارت است از: تحلیل معانی کلی برای تحصیل ذاتیات (جنس و فصل) و عرضیات (عرض عام و خاص) مانند تحلیل انسان به «حیوان ناطق» و تحلیل حیوان به «جسم نامی حساس متحرک» تا برسد به اولیاتی که ترکیب و یا مشارکت و مابینتی در آن نباشد؛ مثل جوهر. نام دیگر تحلیل ذهنی، تحلیل عقلی است.

پس تحلیل مفهومی همان جواب از [ما] الشارحه است و پاسخ صحیح خواهد بود.

۳. دقیق ترین تعبیر در بیان شرایط منطقی تعریف کدام یک از موارد ذیل است؟

الف) معرف باید جامع افراد باشد.

ب) معرف باید مساوی معرف باشد.

ج) معرف باید مانع اغیار باشد.

د) معرف نباید مبین معرف باشد.

۴. تعریف پرنده به حیوان تخم گذار تعریف به.....

الف) اعم است.

ب) اخص است.

ج) مانع نیست.

د) جامع و مانع نیست.

رابطه ی پرنده و تخم گذار بودن رابطه اعم و اخص مطلق است. زیرا همه ی گونه های پرندگان تخم می گذارند. ولی بعضی تخم گذاران مانند ماهی ها و لاک پشتها، پرنده نیستند. در اینصورت پاسخ صحیح، گزینه الف صحیح است.

۵. مای استفهامیه را، که سؤال از حقیقت شیء قبل از علم به هستی می کند، چه می نامند؟

الف) مای شرح اللفظ.

ب) مای حقیقه.

ج) مای شرح الاسم.

د) مای شرح اللفظ و شرح الاسم.

توضیح در سوال ۱ و ۲ همین خود آزمایی آمد.

۶. در تعریف [جهت بالا] به [جهتی که پایین نیست] کدامیک از شرایط تعریف رعایت نشده است؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی میانی ۲، پرسش ۱)**

الف) تعریف دوری است.

ب) تعریف مغایرت مفهومی با معرف ندارد.

ج) تعریف از نظر وضوح مساوی معرف است.

د) تعریف فوق کاملاً صحیح است.

۷. تعریف [شیعه] به [مسلمانی که قائل به امامت بلافصل امام علی، بعد از پیامبر باشد]، دارای

چه اشکالی است؟

الف) دوری است.

ب) اخص است.

ج) اعم است.

د) اخفی است.

در این تعریف بعضی فرق غیر از شیعه، که قائل به امامت بلافصل امام علی، بعد از پیامبر هستند

وارد می شوند. پس تعریف مانع اغیار نیست و تعریف به اعم است.

۸. تعریف به اعم ..... .

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی میانی ۲، پرسش ۳)**

الف) مانع نیست.

ب) جامع نیست.

ج) شامل هیچ فردی از افراد معرف نمی شود.

د) اخفی است.

۹. تعریف به اخص..... .

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی میانی ۲، پرسش ۴)**

الف) مانع نیست.

ب) جامع نیست.

ج) اظهر نیست.

د) هیچ فردی از افراد معرف را دربر نمی گیرد.

۱۰. بین معرف و معرف چه نسبتی از نسب اربع (چهارگانه) باید برقرار باشد؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی میانی ۲، پرسش ۲)**

الف) تباین.

**ب) تساوی.**

ج) عموم و خصوص من وجه.

د) عموم و خصوص مطلق.

۱۱. این که در لغت نامه ها هر واژه ای را به لفظی مأنوس تر از آن معنا کنند ، نشان دهنده

رعایت کدام شرط از شرایط تعریف است؟

الف) تعریف نباید به اعم باشد.

ب) تعریف نباید به اخص باشد.

**ج) تعریف نباید به اخی باشد.**

د) تعریف نباید دوری باشد.

۱۲. به نظر منطقی ، «عرض خاص کلی است که اختصاص به یک موضوع دارد» ، چگونه تعریفی

است؟

الف) تعریف به اخص.

ب) مانع.

**ج) تعریف به اعم.**

د) نه جامع و نه مانع.

**تعریف اول : عرضی خاص (خاصه) ، مفهومی کلی است که خارج از حقیقت شیء و در عین حال**

**مختص به آن است.**

**تعریف کاربردی : عرضی خاص مفهومی کلی است که اختصاص به نوع یا جنس دارد و نسبت به**

**آن ، یا مساوی و یا اخص است.**

**در هر دو تعریف قیدی اضافه تر از تعریف موجود در پرسش وجود دارد پس تعریف موجود در**

**پرسش ، تعریف به اعم است و مانع اغیار نیست و شامل ذاتیات هم می شود.**

**تعریف علامه حلی در کتاب الجوهر النضید :**

**هذان قسمان للعرضی و هو إما أن یختص بحقیقته واحده سواء شملها أو یختص ببعض أفرادها و**

**یسمی الخاصه و هو کلی مقول علی ما تحت حقیقته واحده فقط قولاً عرضیاً و إما أن لا یختص بحقیقته**

**واحده بل یوجد فیها و فی غیرها و هو العرض العام.**

۱۳. تعریف حقیقی آن است که.....

(الف) شامل دور و شرح الاسم نباشد.

(ب) کنه امور و چگونگی تحولات را بشناسد.

(ج) ماهیت و حقیقت چیزی را بیان کند.

(د) مرکب از جنس و فصل باشد.

۱۴. تعریف به مابین تعریفی است:

(الف) مانع.

(ب) جامع و مانع.

(ج) نه جامع و نه مانع.

(د) جامع.

۱۵. مای حقیقه سؤال از چیست؟

(الف) وجود شیء.

(ب) ماهیت شیء.

(ج) اوصاف شیء.

(د) علت شیء.

۱۶. کدام گزینه در تعریف نوع تعریف به اعم است؟

(الف) کلی ذاتی که شامل افراد متفق الحقیقه می شود.

(ب) کلی عرضی که شامل افراد متفق الحقیقه می شود.

(ج) کلی ذاتی که شامل افراد متفق الحقیقه می شود و در جواب چیستی می آید.

(د) کلی عرضی که شامل افراد متفق الحقیقه می شود و در جواب چیستی می آید.

۱۷. اگر در تعریف [دوزنقه] بگوییم: [شکل چهار ضلعی که فقط دو ضلع آن با هم موازی باشند]

چگونه تعریفی است؟

(الف) تعریف به اعم.

(ب) تعریف به اخص.

(ج) تعریف به مابین.

(د) تعریف به مساوی.

زیرا این تعریف جامع افراد است و شامل دوزنقه متساوی الساقین، دوزنقه قائم الزاویه و دوزنقه

مختلف الاضلاع می شود و مانع اغیار است و دیگر اشکال را خارج می کند.



۱۸. هر تعریفی مرکب از چیست؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی میانی ۱، پرسش ۲)**

الف) تصدیقات.

ب) تصورات.

**ج) تصورات معلوم.**

د) تصورات و تصدیقات معلوم.

۱۹. تصویری که مجهول بوده و با تصورات معلوم شناخته می شود، چه نام دارد؟

**(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی میانی ۱، پرسش ۱)**

الف) معرف.

**ب) معرف.**

ج) نتیجه.

د) بدیهی.

۲۰. تعریف [آتش] به: [عنصری است شبیه نفس انسان]، چگونه تعریفی است؟

الف) تعریف به اعم.

ب) تعریف به اخص.

ج) تعریف به دور.

**د) تعریف به اخفی.**

### برای تفکر بیشتر

۱. آیا همواره تعریف برای شناساندن معرف و کشف مجهول به کار می رود؟

«تعریف» نه تنها در علوم بلکه در زندگی روزمره انسان ها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. بسیاری از مشاجرات و اختلافات انسان ها با یکدیگر ریشه در سوء فهم آنها از امور مورد بحث دارد. چه بسا دو طرف بر سر موضوعی به نزاع برخیزند و جدال کنند، که اگر نخست موضوع بحث را به روشنی تعریف می کردند، چنین نزاعی یا پیش نمی آمد و یا دست کم سبب می شد موضوع نزاع تغییر کند و هر دو طرف دریابند که اختلاف اساسی آنها از دو دیدگاه و یا حتی از دو سلیقه شخصی برخاسته است.

۲. به لحاظ ساختاری معرفّ به صورت مرکب تام بیان می شود یا به صورت مرکب ناقص؟  
مرکب تام لفظی است که بر آن سکوت روا باشد (ما یصح للمتکلم السکوت علیه)، یعنی گوینده  
مطلب را کامل بیان کرده و حق سکوت دارد و چیزی از مطلب باقی نمانده تا شنونده در انتظار  
شنیدنش باشد و اگر به همین مقدار اکتفا شود نیز مطلب مفیدی دستگیر او می گردد. مانند: زید آمد  
مرکب ناقص لفظی است که معنایش تمام نباشد و شنونده را در انتظار شنیدن بقیه مطلب  
می گذارد و سکوت بر آن برای گوینده روا نباشد، مثل: کتاب زید  
پس روشن است که در تعریف نباید مرکب ناقص بیاوریم.

۳. چرا بحث تعریف و روش درست آن دارای اهمیت ویژه ای است؟  
چون تعریف، یکی از مهمترین عملهای ذهن بر روی مفاهیم و تصورات است و امروزه بسیاری از  
دانشمندان علوم دریافته اند که پیش از ورود به مسائل هر دانشی، ارائه تصویری روشن و مشخص از  
موضوعات مورد بحث، امری اجتناب ناپذیر است، لذا روش درست تعریف اهمیت بسیاری دارد.  
اکنون بیشتر علوم، به خصوص دانشهایی چون ریاضیات، فلسفه، علوم تجربی و اخلاق، با یک سلسله  
تعاریف آغاز می شوند که به آنها اصطلاحاً «مبادی تصویری» آن علم می گویند و در صورتی که این  
مبادی تصویری بیان نشوند، چیزی از آن علم، عاید نخواهد شد.

۴. اقسام دور کدام است؟ ملاک استحاله دور چیست؟

۱. دور غیر معی:

توقف شیء بر خودش یا تقدم شیء بر خودش، می باشد

تعریف به دور غیر معی دو شرط دارد:

اولاً: معرفّ، خود، احتیاج به تعریف دارد

و ثانیاً: در تعریف معرفّ از معرفّ استفاده می شود.

این دور به دو صورت قابل تصوّر است:

الف) دور صریح و بدون واسطه (دور مصرّح)

ب) دور غیر صریح و با واسطه (دور مضمّر)

۲. «دور معی» یا «دور لینی»: این نوع دور نه تنها محال نیست بلکه واقع نیز می شود. مانند  
توقف فهم دو امر متضایف «بالا» و «پایین» بر یکدیگر.

دوری که محال است رخ دهد، دور غیر معی است و شرط محال بودنش این است که توقف یکی بر دیگری، باید به صورت علت تامه باشد. یعنی اگر الف علت تامه ب باشد و ب هم علت تامه الف باشد، دور محال روی داده است. به بیان دیگر، دور برگشت به اجتماع نقیضین دارد. زیرا دور یعنی اینکه موجودی معلول معلول خودش باشد یا علت علت خودش باشد. و برای اینکه چیزی علت علت خودش باشد، باید قبل از اینکه علتش آنرا بوجود بیاورد، خودش باشد تا علت علت خودش بشود. و این چیزی نیست جز تقدم الشيء علی نفسه. یعنی این موجود هم هست و هم نیست. و این همان اجتماع نقیضین است که اولی الاولیات و اساس تمام بدیهیات است.

۵. آیا غیر از قواعد و ضوابط منطقی تعریف، حکیمان مسلمان، اصول منطقی و فلسفی تعریف را به صورت قانون ها و قواعدی کلی بیان کرده اند؟ توضیح دهید.

صرف آگاهی از ضوابط منطقی تعریف، ما را در دستیابی به تعریف درست، موفق نخواهد کرد و داشتن الگوی عینی برای تحقق آن ضوابط نیز، امری ضروری است. منطقدانان با اشراف کامل بر این مهم، دستگاهی را به عنوان الگوی تعریف، ارائه کرده اند که فهم آن متوقف بر آگاهی از مبحث کلیات خمس است و در نهایت منجر به تعریف به حد و تعریف به رسم می شود.

۶. آیا می توان به طور مشخص، مغالطاتی را در باب تعریف شناسایی کرد و نشان داد؟ فقدان هر یک از ضوابط منطقی در باب تعریف موجب خطا و مغالطه در تعریف می شود. برخی از خطاهای رایج در تعریف عبارت است از:

۱. تعریف دوری؛ مانند: «تعریف زمان به چیزی که با ساعت اندازه گیری می شود» و تعریف ساعت به ابزاری برای اندازه گیری زمان « یا «عارفی را گفتند: جوان مردی چیست؟ گفت ترک کامجویی؛ گفتند: کامجویی کدام است؟ گفت: ترک جوان مردی.»

۲. تعریف به اخص؛ مانند: تعریف انسان به حیوان هنرمند.

۳. تعریف به اعم؛ مانند: تعریف دایره به شکلی که محیط آن منحنی است.

۴. تعریف به مباین؛ مانند: تعریف انسان به عنصر گران قیمت.

۵. تعریف به مفهوم مبهم؛ مانند: تعریف خدا به اسطقس فوق اسطقسات.

۶. تعریف به مترادف؛ مانند: تعریف انسان به بشر.

۷. این از آن، پس این همان؛ این خطا در جایی رخ می دهد که در تعریف، چیزی را که از مبدأ یا ماده ای به وجود آمده است، بدون در نظر گرفتن هویت فعلی آن، عین مبدأ یا ماده اش معرفی کنند.

مثلاً اگر کسی بر اساس فرضیه باطل داروین بگوید: «انسان همان میمون بی مو است»، دچار مغالطه «این از آن، پس این همان» شده است، زیرا اگر فرضیه داروین درست می بود باز هم انسان عین میمون نمی شد.

۸. خطای «کنه و وجه»؛ این اشتباه هنگامی رخ می دهد که هویت حقیقی یک شیء در بعدی از ابعاد آن خلاصه شود؛ مانند اینکه در تعریف تاریخ گفته شود: «تاریخ چیزی نیست جز جولان گاه تحولات اقتصادی یا تنازعات طبقاتی.»

۹. هستی به جای چیستی؛ اگر در تعریف، که متکفل بیان چیستی شیء است، فقط هستی آن ذکر شود چنین خطایی رخ داده است. مثلاً در تعریف ماده گفته شود: «ماده، واقعیت عینی است که در خارج ذهن تحقق دارد.

و ....

 [https://Eitaa.com/Tadris\\_H](https://Eitaa.com/Tadris_H)

 <https://aparat.com/M.Asadi14>

## دریافت درس ها و ارسال سؤالات



**Aparat.com/M.Asadi14**



**Eitaa.com/Tadris\_H**



**Telegram.me/Tadris\_MA**



**Asadi.Tadris@gmail.com**



**ID : @Asadi14**